

«در حال حاضر موبک و چادر و پتو و تانکرهای آب نیاز جدی است و اگر بتوانیم برای مردم تهیه کنیم، کارساز خواهد بود. مهم‌ترین مسئله ما بحث راه‌هاست، زیرساخت‌های برق به شدت آسیب دیده و بیش از ۱۰۰ مدرسه نیز تا حدی تخریب شده‌اند. بیشترین حجم خسارت‌ها را در بخش شهرستان قصرقند، پیرسهراب و بخش مرکزی چابهار و دشت‌یاری داریم که بیشترین درگیری را دارند. حدود ۴۰۰ هزار نفر متأثر از شرایط سیل قرار گرفته‌اند و کسانی که آسیب جدی دیده‌اند، تعداد بسیار کمتری هستند که برآورد دقیقی از آن‌ها وجود ندارد.» فعالان استان سیستان و بلوچستان نیز از نارسایی‌هایی در امداد رسانی به بخش‌های مختلف در مناطق سیل‌زده خبر می‌دهند.

### ▼ هشدار برای افزایش میزان بحران

وضعیت آب و هوادر سیستان و بلوچستان به‌خصوص جنوب این استان همچنان نامساعد است. اداره کل هواشناسی استان سیستان و بلوچستان روز سیزدهم اسفند، به‌طور رسمی هشدار سطح نارنجی صادر کرد. بر اساس این گزارش، سامانه بارشی از صبح سه‌شنبه ۱۵ اسفند به مدت دو روز در این استان فعال خواهد بود. هواشناسی سیستان و بلوچستان در خصوص بارش باران، رگبار و رعدوبرق و احتمال رگبار پرآکنده، تندبادهای لحظه‌ای به‌ویژه در جنوب‌غرب این استان هشدار داده است. این سامانه بارشی بر مناطق زریاباد، فوج، لانشار، قصرقند، نیکشهر، سرباز، اسک، کنارک، چابهار و دشتیاری تأثیر خواهد گذاشت که اکثر آن‌ها به‌خصوص دشتیاری و قصرقند در حال حاضر درگیر ویرانی‌های سیل‌های اخیر هستند. براساس این هشدار هواشناسی، احتمال آبگرفتگی معابر، لغزندگی جاده‌ها، سیلابی شدن مسیل‌ها و طغیان رودخانه‌ها، خسارت به محصولات کشاورزی، وقوع ساعقه، تشکیل مه و کاهش میدان دید و تداوم سرریزی سدها وجود دارد. هواشناسی سیستان و بلوچستان توصیه کرده است که مردم از اسکان و تردد در حاشیه مسیل‌ها و رودخانه، چرای دام در مناطق مرتفع و کوهنوردی خودداری کنند. سخنگوی سازمان مدیریت بحران نیز از آماده‌باش دستگاه‌های مسئول برای مقابله با موج جدید بارش‌ها خبر داده است. هشدار نارنجی در تقسیم‌بندی هشدارهای هواشناسی به معنی اقدام ضروری و احتمال وقوع خسارت گسترده است. با توجه به آسیب دیدن زیرساخت‌ها و درگیری بون مناطق جنوب استان سیستان و بلوچستان با سیل، احتمال وخیم‌تر شدن وضعیت بحران در این مناطق وجود دارد.

### ▼ خسارت‌های سیل

با گذشت چندروز از آغاز سیل و آبگرفتگی در سیستان، وضعیت در این استان همچنان بحرانی است. راه‌های ارتباطی در جنوب استان و مناطق سیل‌زده بسته شده و همین وضعیت، امکان امداد رسانی سریع و بی‌وقفه را از بین برده است. تداوم امداد رسانی به مناطق بحرانی، نیازمند استفاده گسترده از بالگرد است. سخنگوی سازمان مدیریت بحران، روز گذشته آخرین آمار و اطلاعات را از وضعیت خسارت‌های سیل سیستان و بلوچستان ارائه کرد. به گفته این مقام سازمان مدیریت بحران، به دلیل این سیلاب‌ها و آبگرفتگی، حدود ۸۰۰ واحد مسکونی آسیب دیده که از این تعداد ۳۰۰ واحد باید از نوساخته شود و ۵۰۰ واحد نیازمند تعمیر است. حدود ۱۹ هزار هکتار از اراضی استان تحت تأثیر این سیل قرار گرفتند و بسیاری از زیرساخت‌ها و شریان‌های حیاتی سیستان و بلوچستان از جمله تیرهای برق، جاده‌ها، راه‌ها و دکل‌های مخابرات آسیب دیدند. نیروهای راهداری نیز در تلاش برای بازگشایی راه‌های مسدود استان هستند. به گفته سخنگوی سازمان مدیریت بحران، خسارت‌سیل در جنوب سیستان و بلوچستان حدود ۲ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. مدارس مناطق سیل‌زده استان نیز وضعیت خوبی ندارند. داوود گلی، مدیر روابط عمومی آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان در مصاحبه‌ای که روز ۱۳ اسفند ۱۴۰۲ با رسانه رکنا داشت، خبر از محاصره ۴۰ تا ۴۵ مدرسه توسط سیلاب‌ها داد. به گفته این مقام آموزش و پرورش استان، آموزش به صورت آنلاین در این مناطق ادامه دارد و بیشتر مدارس در دو منطقه دشتیاری و ویلان درگیر آب‌گرفتگی هستند.

### ▼ حدود ۴۰۰ هزار نفر متأثر از شرایط سیل قرار گرفته‌اند

معین‌الدین سعیدی، نماینده چابهار در مجلس روایت دیگری از حادثه سیستان و بلوچستان دارد. سعیدی روز گذشته در گفت‌وگو با سایت انتخاب، گفت: «متأسفانه بعد از گذشت چند روز از سیل، کماکان چندین جاده مسدود است و برخی از روستاها هیچ ارتباطی ندارند. از امروز [دو روز] دو بالگرد حامل اهرم و یک بالگرد دانشگاه علوم پزشکی فعال شده‌اند و در حال خدمت‌رسانی‌اند. تعدادی از روستاها چند روزی است برق ندارند؛ اگر چه اداره برق خیلی تلاش کرد. عمده مشکل مردم بحث جاده‌هاست که کاملاً تخریب شده‌اند و انتظار داریم که راهداری کل کشور و ستاد بحران ورود جدی داشته باشد. بخشی از خانه‌های مردم تخریب شده‌اند و نیازمند کمک خیرین هستیم. البته خیرین ورود خوبی در حوزه توزیع غذا داشته‌اند.» او ادامه داد:

### ▼ «تبدیل مجازات‌های غیر عرف را باید به دادسرای انتظامی اعتراض کرد»



**سایوش پورقاسمی، قاضی بازنشسته درباره تخفیف مجازات‌های غیر عرفی که از سوی برخی از قضات صادر می‌شود و با واکنش مردم مواجه می‌شود، به هم‌میهن گفت:**  
«تا پیش از سال ۱۳۹۲ براساس ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، قضات در پرونده‌های کیفری این امکان را داشتند که در بدو کار هر تخفیفی را تشخیص می‌دهند، برای متهم در نظر بگیرند و اعمال کنند. بعد از اصلاح قانون مجازات اسلامی و براساس ماده ۱۰۲ قانون مجازات اسلامی، روند کار تغییر کرد اما قانونگذار پیش‌بینی کرد که تبدیل مجازات را در جهت تخفیف و ارفاق برای متهم در نظر بگیرد. بر همین اساس قضات به استفاده از تبدیل مجازات مجاز شدند. البته این بدین معنا نبود که قضات هر تصمیمی که دلشان خواست، اعمال کنند.» او ادامه داد: «برخی از تخفیف مجازات‌ها براساس خدمات اجتماعی اعمال می‌شود که به‌نوعی خلاف رویه بوده و تعداد آن بسیار نادر است. در این مورد شاهد آن بودیم که رئیس دستگاه قضا واکنش نشان داده و صراحتاً اعلام کرده است که باید تبدیل مجازات متناسب با شخصیت و وضعیت اجتماعی افراد باشد و قاعده‌مند باشد. انتظار این است که این تبدیل مجازات‌ها در دادگاه بدوی مورد توجه قرار گیرد یا در نهایت در دادگاه تجدیدنظر در صورتی که متناسب با شخصیت افراد نباشد، نقض شود.» این قاضی بازنشسته با بیان اینکه بیشتر قضات به دلیل کثرت کار و گرفتاری تبدیل مجازات نمی‌دهند، اعلام کرد: «اگر قاضی تبدیل مجازاتی را تعیین کند، قضات تجدیدنظر فرصت آن را ندارند که با غریبال احکام تبدیل مجازات موارد خارج از عرف را شناسایی و رد کنند. بنابراین در کلان‌هر تخفیف مجازاتی باید قاعده‌مند باشد و قضات نمی‌توانند سلیقه‌ای عمل کنند.» او در پاسخ به این پرسش که با این شرایط چگونه شاهد صدور تخفیف مجازات‌های غیر متناسب هستیم؟ تأکید کرد: «تعداد قضاتی که چنین احکامی را صادر می‌کنند، بسیار اندک هستند و به‌نوعی خودنمایی بوده و اینگونه نیست که این احکام براساس یک دستورالعمل خاص باشد. به نظر هم‌میهن برای صدور این تخفیف مجازات‌ها وجود ندارد و به هیچ قاضی‌اش سفارش نمی‌شود که با صدور احکامی همانند نگارش کتاب برخی از افراد، مسیری خاصی را پیگیری کند که در نهایت نوعی توهین باشد. این نوع مجازات‌ها درست نیست و رئیس دستگاه قضایی واکنش درست و بجایی داشته است.» پورقاسمی در پاسخ به اینکه آیا نهاد نظارتی در دستگاه قضا برای بررسی عملکرد قضاتی که چنین تبدیل مجازات‌هایی را صادر می‌کنند وجود دارد؟ گفت: «اگر احکامی خارج از عرف صادر شود حتی اگر با مقر قانون نتوان با آن قاضی برخورد کرد، دادسرای انتظامی به عنوان مسئول، می‌تواند با سنجش کیفیت آرای قضات و با تشخیص درست با آن قاضی برخورد کند. البته شاید این برخورد رسانه‌ای نشود اما قطعاً بر خود می‌شود. نکته دیگر اینکه شاکی خصوصی می‌تواند در برابر صدور این احکام واکنش نشان دهد و به دادسرای انتظامی اعتراض کند. با طرح شکایت‌های صادره بررسی می‌شود و در صورتی که خارج از عرف باشد، حکم صادره قابل نقض است. هر چند مدعی العموم و دادستان نیز می‌تواند به این موضوع ورود کند.» او تأکید کرد: «با توجه به اینکه رئیس دستگاه قضا به این موضوع ورود کرده است باید در آینده امیدوار بود که شاهد احکامی از این دست نباشیم که حکم صادره با شخصیت افراد تناسبی نداشته باشد.»

### ▼ این نوع مجازات‌های تکمیلی تنها اثرگذاری منفی دارند



**عبدالمهدی خرمشاهی، وکیل دادگستری با اشاره به صدور چنین احکامی توسط قضات دادگاه انقلاب، به هم‌میهن گفت:** «فلسفه اینگونه مجازات‌های تکمیلی در نهایت بحث بازآوردن زندگی، عبرت و جلوگیری از ارتکاب جرایم در آینده است. باید به این نکته توجه کنیم که آیا این مجازات تکمیلی که توسط قاضی در نظر گرفته شده، در رفتار محکوم‌علیه در آینده تأثیری دارد یا نه؟ در

محمد رضا تقفی

### روزهای پایانی سال و ازدحام مترو



### ادامه یادداشت سردبیر

اما آیا در واقعیت، چنین تعارضی وجود دارد؟ مقدمتاً باید یادآور شوم که در روزنامه «هم‌میهن» نه در سطح سیاست‌تگاران و مدیران و نه بدنه نویسندگان، همسویی و همگرایی در باره انتخابات وجود نداشته است. این مسئله، موضوعی هم نیست که امروز ویس از پایان انتخابات ظهور و بروز یافته باشد؛ بلکه از همان زمان که کارهای مقدماتی انتشار روزنامه شروع شد، مشخص بود. چنان‌که در انتخابات ۱۴۰۰ هم که «هم‌میهن» منتشر نمی‌شد نیز، این تفاوت مواضع وجود داشت. به‌عنوان نمونه، مدیر مسئول و سردبیر «هم‌میهن» چه در ۱۴۰۰ و چه در ۱۴۰۲ از حامیان شرکت در انتخابات بودند و متقابلاً، دو مشاور ارشد روزنامه چه آن زمان و چه امروز، از مخالفان مشارکت بودند که تحلیل‌ها و مواضع همگی نیز در قالب یادداشت‌ها و مصاحبه‌ها موجود است. اتفاقاً این یکی از ویژگی‌های مثبت «هم‌میهن» است که به‌رغم برخی اختلاف‌نظرهای سیاسی و راهبردی درون مدیران و نویسندگان اصلی خود، توانسته است به‌سهم خویش در فضای سیاسی و اجتماعی کشور مؤثر واقع شود و مواضع و تحلیل‌های آن، چه از سوی موافقان و چه مخالفان جدی گرفته شود و عموماً آن را بشنوند و واکنش نشان دهند. عامل اصلی این مسئله هم، توافق و تفاهم بر روی اصول کلیدی و مبنایی است. چنان‌که در همین ایام انتخابات، به‌رغم اختلاف تحلیلی و راهبردی که بین مدیرمسئول روزنامه با مواضع آقای تاج‌زاده در قبال انتخابات وجود داشت؛ پس از برخورد ناصوابی که در زندان با ایشان شد، روزنامه موضع‌گیری کرد و آقای کرباسی هم، مطلبی در حمایت از آقای تاج‌زاده نوشت.

تفاوت و تضاد مبنایی «هم‌میهن» با «کیهان» همین‌هاست. «هم‌میهن» چنان‌که در نخستین شماره خود شعار داد، خود را روزنامه‌ای برای «همه هم‌میهنان» می‌داند و در این جهت، کام‌برمی‌دارد؛ حال آنکه رسانه‌های حاکم، نه‌فقط روزنامه و رسانه‌های خود که کشور را فقط برای بخش اندک و تندیروبی از جامعه می‌دانند. پروژه «خالص‌سازی» هم، صورت‌بندی‌های هم‌رنگ همین روند است که اتفاقاً نخستین بار، توسط یکی از چهره‌های شاخص همسوی سابق خود آنان (علی لاریجانی) طرح شد و مورد اقبال محافل و تحلیلگران سیاسی قرار گرفت.

از همین منظر است که ایده «روزنامه‌گشایی» هم در بیانیه اخیر ۱۱۰ کنشگر سیاسی و فرهنگی مجال طرح پیدا کرد که مدیر مسئول و

سردبیر «هم‌میهن» هم از جمله امضاکنندگان آن بودند (البته، آقای عبیدی، مشاور ارشد روزنامه، هم از جمله منتقدان جدی آن). اما اگر از منظری کلان‌تر به مسئله بنگریم؛ درخواهیم یافت که ایده «روزنامه‌گشایی» و حتی معرفی کاندید در انتخابات اخیر، نه‌فقط با بحث «خالص‌سازی» در تعارض نیست؛ بلکه در چارچوب و تداوم آن می‌گنجد. در واقع، منطق پیشینی «روزنامه‌گشایی» (چنان‌که پیش از این در گفتار «دوم‌خرداد هم روزنامه‌گشایی بود» تشریح کرده‌ام)، جز آن نیست که نه‌فقط ساخت سیاسی که ساخت اجتماعی را دچار نوعی انسداد می‌بیند که خروجی آن، تعطیل و تعلیق سیاست‌ورزی، گفت‌وگو و کنشگری است. ایده «روزنامه‌گشایی» گرچه در این «انسدادباوری» با در برابر هر دو جریان «انسدادباوری» (که به بسته ماندن راه مشارکت اصلاح‌طلبانه و انتخاباتی در امر سیاسی گرایش دارد) و «خالص‌سازی» (که به هرچه بسته‌تر کردن منافذ مشارکت جامعه و اپوزیسیون در امر سیاست و حتی زندگی معمولی باور دارد)؛ قرار می‌گیرد. «روزنامه‌گشایی» سر آن دارد که در همین شرایط دشوار، راهی گشاید و به‌قدر وسع خود، جامعه و قدرت را از جدایی، تعارض و سستیز بازدارد؛ چراکه از پیامدهای این مواجهه رادیکال برای موجودیت، امنیت و حتی تمدن ایران و آینده «همه ایرانیان» و «همه هم‌میهنان» هراس دارد. از این منظر، خروجی انتخابات اخیر برای امضاءکنندگان بیانیه «روزنامه‌گشایی» نه‌فقط کمسویی ۴۰ نفره در مجلس (که البته آن هم به‌جای خود، مفید و ارزشمند است)؛ بلکه تأیید و تبیین این ایده است که بدون مشارکت فعال و بازگشت به سیاست، مسائل جامعه ایران نه‌فقط حل نمی‌شود، بلکه نیروها و جریان‌هایی رادیکال‌تر و سستیزه‌جوتر را میدان‌دار امر سیاست می‌کند که می‌توانند با تکیه بر پایگاه رای ۴۰ درصدی و ۵۰ درصدی بر سر نوشت ۱۰۰ درصد مردمان حاکم شوند و بر منابع و منافع آنان دست‌اندازند. با چنین نگاه و اندیشه‌ای است که انتخابات اخیر، نه‌به‌معنای ابطال ایده «روزنامه‌گشایی»، که فرصت و بستری است برای تعمیق و تثبیت آن. و در چنین روندی، مواجهه با جریان حامی و حامل «خالص‌سازی» هدف و راهبرد اصلی «روزنامه‌گشایی» است...

### ادامه سر مقاله

مجازات و تطبیق احکام صادره با این فلسفه به‌صورت مستدل و حقوقی توضیح دهند. چنین راهی به‌درک همه جامعه به‌ویژه حقوق‌دانان و قضات از فهم و فلسفه مجازات کمک خواهد کرد و به‌طور طبیعی سایر قضات هنگام صدور حکم به این موارد توجه خواهند کرد.

راه‌حل چیست؟ گرچه سخنان رئیس قوه قضائیه در نقد این احکام خوب و مناسب است، ولی قضات هم طبعاً بر حسب درک خود از قانون حکم می‌دهند و مصلحتاً قصدی ندارند. راه‌حل این است که این‌گونه موارد را به یک کارگروه برجسته حقوقی متشکل از قضات و حقوقدانان قوه ارجاع دهند تا آنان فهم و درک خود را از فلسفه